

"روزنامه ها را توقیف می کنند و اجازه نطق نمی دهند."

در مقطع تاریخی که رضا خان سردار سپه مقام نخست وزیری ایران را بعهده داشته است و اکثریت نمایندگان مجلس شورای ملی - مجلسی فرمایشی، که دولت بدون وجود قانون "نظارت استصوابی" بجای ملت تعیین می کرد که چه فردی اجازه دارد بعنوان نماینده ملت به مجلس برود - ، از طرفداران ایشان بودند ، تجاوز به حقوق ایرانیان بمراتب بیشتری از گذشته در دستور کار دولت قرار داشت. ملک الشعراء بهار بعنوان نماینده ملت در مجلس دوره پنجم قانونگذاری که عضو "فراکسیون اقلیت" و از مخالفین دولت بود ، طی نطق قبل از دستور، در اعتراض به توقیف روزنامه ها و اعمال "فراکسیون اکثریت" که از سخنرانی نمایندگان ملت در مجلس شورای ملی، جلوگیری می کردند، مطالبی را بیان می دارد.

"فراکسیون اقلیت" برای اینکه امکانی برای طرح نظرات خود نسبت به سیاست و عملکرد دولت به دست آورد و پرده از عملکردهای غیر قانونی دولت رضا خان بردارد، دولت را "استیضاح" می نماید. ملک الشعراء طی سخنرانی در مجلس به پایمال شدن حقوق مردم و جناح اقلیت مجلس و سرکوب و تهدیدی که از سوی چماقداران و اراذل و اوباش طرفدار دولت سردار سپه نسبت به آزادیخواهان اعمال می گردید و به "مصونیت" نمایندگان مجلس شورای ملی توجه نمی شد، مطالبی را بیان می دارد.

اگر چه ۷۹ سال از گفتار اعتراضی ملک الشعراء می گذرد، ولی وضعیت سیاسی حاکم بر ایران بیانگر این واقعیت تلخ است که متأسفانه حقوق ملت ایران در جمهوری اسلامی همچون دوران نخست وزیری رضاخان سردار سپه از سوی بخشی از روحانیت معروف به "روحانیت دولتی" ، شورای نگهبان، قوه قضائی و حتی مقام رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام پایمال می شود.

ما در زیر ۲ سند مربوط به گفتار ملک الشعراء بهار در مجلس شورای ملی را به نقل از کتاب تاریخ "بیست ساله" بقلم حسین مکی ، انتشار می دهیم . تفسیر و قضاوت در باره محتوی این اسناد و همچنین مقایسه حقوق ایرانیان در دوران نخست وزیری سردار سپه با وضعیت کنونی حاکم بر ایران را به خوانندگان محترم واگذار می کنیم!

هیئت تحریریه نشریه اینترنتی جنبش سوسیالیستی

۲۷ مرداد ۱۳۸۲

مذاکرات مجلس

رئیس - آقای شریعت‌زاده (اجازه).

شریعت‌زاده - بنده مخالفتی ندارم.

رئیس - رای میگیریم.

حاج میرزا عبدالوهاب - نمیشود رای گرفت.

ملك الشعراء - محتاج برای نیست.

رئیس - چون جزو دستور نبود اگر قبول می‌کردم ممکن بود مورد اخطار واقع شوم حالا

رای میگیریم.

حایری‌زاده - محتاج برای نیست. اجازه میفرمائید بنده يك ماده را عرض کنم.

رئیس - بفرمائید.

حایری‌زاده - در دوره چهارم در ابتدای جلسه و ختم جلسه آقایان نمایندگان اگر مطالبی

داشتند که لازم بود پهرض مجلس برسانند بدون اینکه رای بدهند از مقام ریاست اجازه می‌گرفتند

و مطالب خود را اظهار مینمودند و يك ماده هم در نظامنامه داخلی نیست که مفهوم جمله اول این

ماده محتاج با اجازه و رای مجلس نیست و آن ماده ۱۰۶ است که برای آقایان میخوانم.

ماده ۱۰۶ خوانده شد و در اطراف آن توضیحاتی داده شد.

خلاصه از طرف اکثریت و اقلیت بحث زیاد شد و مدرس با تعرض خارج شد.

پس از خروج مدرس ملك الشعراء هم با حالت تعرض در حال خروج اظهار داشت.

روزنامه‌ها را توقیف میکنند و اجازه نطق نمیدهند.

پیشنهاد ختم جلسه شد.

صدای هیاهو و مهمه

و چون عده کافی برای رای گرفتن نبود جلسه تعطیل گردید.



نقل از صورت مشروح مذاکرات مجلس مورخه ۱۷ سرطان ۱۳۰۳ جلسه ۳۵

رئیس - آقای ملك الشعراء (اجازه)

ملك الشعراء - بنده هیچ تصور نمی‌کردم بر طبق سابقه‌ای که گفته شد اجازه خواستن نطق قبل

از دستور باید از دستور محتاج برای مجلس باشد و الا البته بنده هم چنین تقاضایی را از مقام

ریاست نمی‌کردم و مایل هم نبودم که قضیه باین شکل خاتمه پیدا کند که تشبیه بشود باینکه اکثریتی

اقلیتی را در تحت مضيق گذاشته است. البته این ترتیب برای احترامات مجلس شایسته نیست من هم

مایل نبودم اینطور پیش بیاید ولی اتفاقاً اینطور شد. خیلی هم از این قضیه متأسفم. پهرحال

تقصیر باینده نبود بنده نظر بسابقه و جریان ادوار مختلفه مجلس اجازه خواستم و اتفاقاً اجازه ای که

میخواستم و مذاکراتی که میخواستیم بکنم يك موضوع شدیدی که منتج بحمله بر اکثریت بشود

نبود و خیلی مایل بودم که آقایان حدس بزدند یا تحقیقات می‌کردند و مقصود بنده را قبلاً استطلاع

می‌کردند و به بنده اجازه میدادند که حرفم را بزنم آنوقت میدیدید که هجوم با اکثریت نیست

با اینکه سابقه اقلیتهای مجلس این بوده است که در صدد وسائلی بگردند برای اینکه يك هجوم و حمله به اکثریت بنمایند ولی ما و رفقای مانظر به انوسیت تامی که بحفظ وضعیات و مراعات امور مملکتی همیشه داشته ایم در این مسئله خود داری کرده ایم با اینکه همه وقت شاید بهانه های شدید و تند هم در دست ما بوده است و شاید مردم هم همیشه به ما اعتراض کرده اند که چرا وضعیات را در مجلس کمتر و ملایم تر اظهار میکنید ، بالنتیجه قصد من از مذاکره در جلسه گذشته مذاکرانی بوده نسبت باقیان اکثریت و خیلی متأسف هستم از اینکه عرض کنم تا اندازه ای موقع تذکرات بنده فوت شد ، بنده میخواستم مختصری از وضعیات جاریه شهر تهران و ضربتی که بامنیت و آسایش و افراد این شهر وارد شده است اشاره کنم و در ضمن اظهار کنم که این ضربت بیک فرد مفید مملکت و بیک عنصر مفید و نافع وارد شده است و صرف نظراً از مقامات فضلی و ادبی فقید مرحوم این ضربت بدعاغی وارد شده است که آن دعاغ با اقلیت مجلس همراه بوده است و آن دعاغ حمایت میکرده است از افکار عمومی و فکر آن شخص مقتول در جریان سیاسی داخل بوده است که آن سیاست بر ضد دولت وقت بوده است و از این نقطه نظر بیشتر بنده حق داشتم اظهار تأسف کنم زیرا علی المرسوم و علی المعمول اینطور حمله ها هاکیها و ترورها غالباً دردناک رنگ سیاسی بخود گرفته این فقید هم قطعاً و اصولاً رنگ سیاسی پیدا کرده است و بنده خواستم باقیان نمایندگان محترم تذکر بدهم که اولاً برای پاس و حفظ اصول امنیت عمومی ثانیاً برای حفظ و احترام سیاست اقلیت و سیاست اتحاد و برای حفظ آزادی عقیده که تمام آفتابان یابند آن هستند و برای احترام عقاید ملت ایران که گفته نشود ملت ایران عقیده را میکشند و یا اعمال میکنند و بالاخره برای رفع نگرانی های سیاسی که عرض کردم قطعاً شامل این قتل میشود حق این بود که مجلس شورای ملی ایران و اکثریت محترم که مشغول وضعیات هستند بیشتر علاقه مند باین قضیه باشند ،

نکته ای که میخواستم عرض کنم این بود که در شهر تهران يك قطعه ای واقع شد مردم تهران عموماً از این قضیه متأثر شدند ، گریه کردند ، اظهار تألم نمودند ، چندین هزار نفر جمع شدند و اجازه يك مقتول سیاسی را از وسط شهر عبور دادند و در مساجد فاتحه گذاشتند وای با اینحال با اینکه مسئله مربوط بامنیت عمومی و مربوط بقضایای سیاسی بود مجلس شورای ملی ایران با خونسردی امراروقت میگرد و در مسائل خیلی عادی بحث میکرد ، بنده خواستم مجلس را متذکر کنم که در این قضیه نباید خونسرد باشد زیرا ما اقلیت هستیم و در محیط سیاست فعلی در تحت مضیقه و فشار میباشیم ، روزنامه های ما آزاد نیستند ، در مطابع جراید ما را شبها سانسور میکنند ، اگر يك مقاله آزاد تری نوشته شود روزنامه را توقیف میکنند ، مدیران جراید اقلیت بواسطه حذر از سوء قصد ها در مجلس متعین شده اند و بالاخره مادر يك حال مضیقه و فشار هستیم ولی اکثریت مجلس ، اکثریتی که مشغول وضعیات است نباید بسکوت و خودگی

مذاکرات مجلس

بگذرانند این حق اکثریت بوده و هست که در این قبیل مسائل پیشقدم بشود متأسفانه نشد و بخونسردی بر گذارش یا غفلت شد. در جلسه گذشته هم به بنده اجازه داده نشد و يك مسائل دیگری هم ضمناً فوت شد زیرا بنا بر اطلاعاتی که بنده داشتم خواستم مجلس محترم را متذکر کنم که در آن جریان قضایای بعد از قتل که اتفاقاً بنده را آن فقید مرحوم با تلفن خواست و رفتم در بالین او و با حضور امنسای نظمیه اظهاراتی کرد خواستم به آقایان عرض کنم در نتیجه اظهارات او و در نتیجه مواجهاتی که آن مقتول با اشخاص دستگیر شده در حضور مدعی العموم کرد يك اطلاعاتی بدست آمد که نتیجه اش این بود: دو نفر رفته اند و این آدم را مقتول کرده اند یکی دستگیر شد و دیگری فرار کرده است. حتی بگوش بنده خورد که آن کسی هم که فرار کرده است يك اسمی داشته است که اسم او در نظمیه هم بوده است او فرار کرده است و در موقعی که آن فقید محترم با حواس جمع حکایت میکرد وضع کشته شدن خودش را یکی از اعضاء تامينات که بنظر من شخص باهوشی آمد به بنده داد [در موقعیکه در مریضخانه در بالین محترم بودیم] که چون یکی از آنها دستگیر شده است شما اطمینان میدهم آن یکی را هم امروز یا فردا دستگیر خواهیم کرد. ولی متأسفانه بنده در جلسه گذشته شنیدم که نظمیه از آن یک نفر فراری تعقیب نکرده است **محمدخان نامی** که رفته است در حضور تمام اهل محل قاتل را گرفته و باز آن تحویل داده است او را گرفته اند و در نظمیه در حبس تاریک است و به بنده گفته شد حتی در يك قسمت هم حضور داشتم که پس از مواجهه آن شخص توفیق شده با مرحوم عشقی و تقاریرنی که عشقی کرده و امارات ترور و سوء قصد اثبات کرده مدعی العموم عدلیه و یک نفر از مستحقین عدلیه خواستند بموجب قوانین جاریه شخص مقصر را ببرند و در تحت مراقبت نگاهدارند و نگزارند کسی با او ملاقات کند و امر را بچریان طبیعی ببندارند بدبختانه امنای نظمیه آن شخص را بدست مدعی العموم ندادند و استنکاف کردند که آنها در مقابل تقاضای حق خود بوظیفه خودشان عمل کنند. این را هم میخواستم در جلسه گذشته بعرض آقایان برسانم ولی متأسفانه دیر شد. چرا خواستم متذکر شوم و چرا دیر شد و چرا متأسفم از اینکه دیر شده است؟ تأسف بنده برای اینست که آن شخص دوم که فرار نموده و وعده کرده اند او را بگیرند و منضم کنند بیک نفر دیگر بقراریکه شنیده ام و شاید از سرحد هم رد شده باشد چون سه چهار روز است که میگردد به علاوه در جلسه گذشته میخواستم آقایان را متذکر کنم که بدبختانه در نظمیه يك سوابقی در ساختن دوسپهها ایجاد شده است و همیشه در دوسپهها يك نگرانی و سوء ظنهائی جریان داشته است. خواستم به مجلس و آقایان و کلاً عرض کنم که مراقبت بفرمایند و اجازه ندهند که در این مورد هم نظیر قضایای گذشته تکرار شود بالاخره عرایض من این بود تذکراتی که میخواستم عرض کنم مسائلی بود که تمام افراد مجلس شورای ملی بدون تفاوت اقلیت و اکثریت مشغول و ذمه دار تعقیب و اجیرا و

مهرافیت در آن کار هستند و بنده و طلبه دار بودم که بیایم در اینجا از برای اینکه یکنفر دوست و همعقیده مرا کشته اند گریبان نمایندگان اکثریت را بگیرم . خیر بنده حاضر برای این کار نبودم بنده در مجلس دوره سوم که خیلی جوان هم بودم و حق هم داشتم حرارت بروز بدهم آقایانی که در آن مجلس حضور داشتند شاهدند در شدیدترین روزها که روز استیضاح بود و بر حسب امر رفقای خودم آمدم پشت تریبون طوری نطق کردم که شاید اسباب تشکر اکثریت وقت هم شد من عادت می‌کنم اینست و حالتم آن نیست که بیایم چیزهای جزئی و مسائل کوچک را پشت تریبون کش بدهم و یک حرفه بسازم و بر رفقای پارلمانی خود بزنم . چند نیست که من از روزنامه نوشتن صرف نظر کرده‌ام چند سال است در صف اکثریت و زیر بار سنگین دولتهای وقت هستم برای اینکه به مملکت خود از طرق مثبت خدمت کنم من حلات منفیانه و متا کانه را بعقیده خودم برای سیاست مملکت مباح و جایز نمی‌دانم مقصود من از تذکراتی که می‌خواستم بگویم این قضایا بود می‌خواستم عرض کنم آیا مجلس شورای ملی ایران علاقمند هست که مملکت امن باشد یا نیست ؟ آیا یکی از وکلای اقلیت را شب و روز تهدید بقتل نمایند مجلس شورای ملی نباید در این باب علاقه مندی خودش را ابراز بدارد ؟ یک صف روزنامه نویسی و مدیران مطبوعات یک اشخاصی که با سرمایه خودشان و با قوای دماغیشان برای مملکت زحمت میکشند اینها امنیت نداشته باشند و بیایند در کعبه آمال ملت متحصن شوند مجلس شورای ملی باید بیرسد چرا آمده‌اند یا نباید بیرسد ؟ قصد من اینها و مقصود من این تذکرات بود و خیلی متأسفم که یک قسمت از قضایا فوت شد و وضعیاتی پیش آمده است که اگر امروز هم اجازه نمیدادند حاضر بودم این مذاکرات را نکنم بعلاوه اگر استنکافی از گفتن قضایا میکنم آقایان باید بدانند که برای حفظ شخص خودم نیست زیرا که چهل سال از عمر گذشته بیست سال از عمر خود را در سیاست و انقلاب گذرانده‌ام و چندان آرزوئی از دنیا ندارم بهترین آرزوهای من اینست که مرا هم بیش عشقی بفرستند خیال نکنید که من از مرگ می‌ترسم من بیست سال است که در دهانه مرگ زندگی میکنم من در برابرشون جرأت ترار (آقایان رفقای من و کسانی که بوده‌اند دیده‌اند) از مرگ پروا نکردم قیام میکردم و عقاید ملی را میگفتم من از مرگ نمی‌ترسم مرا تهدید کردند حتی اشخاص رسمی چندین دفعه مرا بقتل تهدید کردند . من اهمیت باین قضایا نمیدهم فقط قصد من این است که آن پنجه سرخی که گریبان عشقی را گرفت و او را بدامان قبر انداخت آن پنجه سرخ در یک مملکت قانونی قابل دیدن نیست قابل تحمل نیست باید مجلس شورای ملی آن پنجه سرخ را قطع کند این را با قوت قلب می‌گویم آن شخص هر که باشد و آن پنجه از آستین هر که بیرون بیاید بشما می‌گویم اگر مجلس آن دست خائن و خونین را قطع نکند مردم قطع خواهند کرد . این دست قابل تحمل نیست . دست خیانتکار باید قطع شود . این است عرض بنده .

مدرس باتفاق میرزا علی کازرونی و حائری زاده یزدی سه نفری از مجلس خارج شدند که بطرف منزلهایشان بروند؛ از درب مجلس که خارج شدند کم کم عده ای دور آنها را گرفتند و بکوچه پشت مسجد سیه سالار رسیدند تا کهان عده ای ازار اذل و اشرار که قبلاً تحریک شده بودند بطرف مدرس و کازرونی و حائری زاده حمله ور گردیدند. نایب چلوئی سیلی محکمی بصورت مدرس زد؛ سایرین نیز ضرباتی بحائری زاده و کازرونی وارد ساختند؛ مخصوصاً که یک ضربه شدیدی با چوب بدست کازرونی وارد آمده بود؛ عمامه حائری زاده را نیز بیغما بردند ولی حائری زاده بخانه داور پناه برده در را بروی خود می بندد؛ دیری نگذشت که در این گیرودار اهالی سرچشمه و خیابان نظامیه جمع شده و باشرار حمله نمودند؛ زد و خورد بین دودسته در گرفت و جنجال غربی برپا گردید؛ بالاخره همینکه اشرار عاقبت کار را وخیم دیده تحمل مقاومت نیاوردند و فرار را برقرار ترجیح دادند. مردم مدرس و کازرونی و حائری زاده را با حال اجتماع مشایعت کرده هر یک از آنها را بمنزلشان رسانیدند. از این سه نفر فقط میرزا علی کازرونی که ضربات وارده باو خیلی شدید بود بستری شد؛ ولی ضمن نامه ای که بر رئیس مجلس نوشت علت عدم حضور خود را در جلسه توضیح داده در خانه آن متذکر شده بود که چنانچه استیضاح صورت بگیرد او حاضر خواهد بود که با «برانکار» بمجلس بیاید و در موقع اخذ رأی شرکت کند و ورقه کبود خود را بدهد.

بعد از ظهر نمایندگان اکثریت و اقلیت بمجلس حاضر شدند؛ زنک جلسه علنی آنها را برای تشکیل جلسه دعوت نمود. مدرس و سایر افراد اقلیت در اطاق فراکسیون اقلیت مانده در جلسه شرکت نکردند و در اطراف واقعات روز و پیش آمدهائی که شده بود بشور پرداختند و چون از قیافه مجلس و جمعیتی که در صحن و فضای پارلمان گرد آمده بودند پیدا بود که اگر استیضاح بخواند صورت عمل بگیرد حوادث دیگری را ممکن است از پی داشته باشد؛ بنابراین هیچگونه تأمینی برای شرکت در جلسه نخواهند داشت و از طرفی با آن وضعی که مجلس بخود گرفته بود و با آن همه اشخاص مختلفی که در لژهای تماشاچی نشسته بودند برای اقلیت حدس موفقیت زده نمیشد و همچنان در اطراف این مسائل مذاکرائی در فراکسیون اقلیت

جریان داشت. جلسه هم تشکیل شده بود، هیئت دولت هم در مجلس حاضر بود و چون از افراد اقلیت هیچکس در مجلس نبود دوستان اقلیت بوسیله یادداشت فراکسیون اقلیت را برای حضور در جلسه دعوت مینمودند. جلسه اقلیت طولانی شد و بالاخره یکساعت بغروب مانده اقلیت تصمیم گرفت که از شرکت در جلسه خودداری نماید ولی فقط مدرّس، ملک الشعراء بهار را بجلسه فرستاد که در آنجا جریان را با اطلاع مجلسیان برساند و ضمناً بگوید چون اقلیت آزادی نطق و بیان ندارد و همچنین چون دولت که قاعدتاً بایستی ضامن آزادی و امنیت مردم باشد خود دست با اقداماتی زده و افراد اقلیت از این حیث تأمین ندارند آیا با چنین وصفی استیضاح چگونه صورت خواهد گرفت و مجلس برای استیضاح چه تکلیفی معین خواهد کرد؟! بهمین نظر فقط ملک الشعراء بجلسه حاضر شد که اینک جریان این صورت جلسه عیناً در زیر نقل میشود و ضمناً اضافه مینماید که نقل این قبیل صورت مذاکرات مجلس معرّف روحیه و کلائی بوده است که از سردار سپه پشتیبانی مینموده و همین صورت جلسات است که بآیندگان درس عبرت میدهد که در محکمه تاریخ مرور زمان هیچگونه در قضاوت و رأی قضاة محکمه تأثیری نخواهد داشت و اگر اشخاص بغلط یا صحیح خود را آزادیخواه و طرف را بعکس معرفی نمایند تشخیص آن برای خوانندگان تاریخ کاملاً آسان بوده و بروحیات بازیگران موجودین تاریخ پی میبرند.

صورت جلسه هفدهم اسد ۱۳۰۳

تتشکیل جلسه بالاخره هرچه بود جلسه یکساعت بغروب مانده بریاست مؤتمن الملك تشکیل یافت. رئیس دولت و وزراء حضور یافتند.

رئیس - دستور امروز چنانکه گفته شد استیضاح است. چند نفر از آقایان و کلا از آقای رئیس الوزراء استیضاح کرده اند.

رئیس - آقای حایری زاده بفرمایند (گفته شد غایب است) بعد از ایشان آقای عراقی بفرمایند (گفته شد غایب است) آقای ملک الشعراء بفرمایند.

ملک الشعراء - خبلی متأسف هستم که مأموریتی را که آقایان نمایندگان اقلیت در موضوع استیضاح به بنده داده اند بر عرض آقایان نمایندگان برسانم زیرا هیچ حاضر نبودم این قضایا اتفاق بیفتد که بنده این مأموریت را قبول کنم.

آقایان محترم مسبقند که استیضاح در نتیجه يك فشارهائی که با اقلیت وارد آمد داده شد

از روز اعلان حکومت نظامی یکنوع تضییقاتی بنمایندگان اقلیت وارد آمد، صرفنظر از توقیف کلیه مطبوعات و حبس و تبعید تمام همفکرهای ما در شهر بالاخره کار بجائی رسید که افراد اقلیت در یکنوع حالت سانسور واقع شدند.

هر گاه کسی بخانه افراد اقلیت میآمد باین جرم دستگیر میشد، افراد اقلیت هم بخانه هر کس میرفتند آن شخص باین جرم دستگیر میشد و این سابقه از طرف آقایان نمایندگان اقلیت تحمل میشد تا اینکه روز استیضاح رسید. صبح امروز آقایان برای اظهار استیضاح در مجلس حاضر شدند و همه آقایانهم میدانند ولی ورود دستجات معین بدون جواز بداخله مجلس قدری قیافه مجلس را از حالت طبیعی خارج کرد.

در این موقع آقای مدرس نماینده محترم وارد مجلس شدند و نسبت بایشان یکنوع مهاجمه شدید و خطرناکی از طرف همان دستجاتی که بدون جواز وارد مجلس شده بودند بعمل آمد. علاوه بر این مهاجمه شدید و خطرناک و فریادهائی که البته همه آقایان شنیدند دراطاق فراكسیون در موقعی که بعضی از افراد اقلیت نشسته بودند مهاجماتی هم از طرف بعضی از نمایندگان در خود اطاق فراكسیون اقلیت نسبت بآقای مدرس بعمل آمد که اگر از آن مهاجمات هم جلوگیری نمیشد (چنانچه یکی از آن مهاجمات را شخص محترم رئیس دولت جلوگیری کردند) (۱) شاید بیشتر اسباب تأسف میشد. بالاخره از تمام این مهاجمات در نتیجه خونسردی اقلیت و بردباری آقای مدرس دفاع شد و صبر کردیم براینکه وضعیات شاید بحال عادی برگردد و آقایان استیضاح خودشان را در این مجلس محترم عرضه بدارند، متأسفانه همین وضعیات ناگوار و پیش آمدهای غیرعادی ساعات گذشت و موقع جلسه دیر شد و بالاخره وجود دستجات غیر منظم و شبیه بتجهیز شده بیشتر باعث شد که نتوانست جلسه تشکیل شود و جلسه بعصر افتاد. مقارن ظهر بعد از آنکه دایر نشدن جلسه اعلان شد بعضی از نمایندگان اقلیت بمنازل خودشان رفتند بطوریکه بعد شنیده شد در نتیجه تحریکاتی که البته پس از تحقیقات معلوم خواهد شد جمعی برای وارد ساختن توهین بشخص آقای مدرس و سایر همراهان ایشان خارج شدند و تعقیب کردند آقای مدرس را و در نتیجه هتاکهای زیاد که از دم مجلس تادم مدرسه سیهسالار ممتد شد و رسیدند بنمایندگان اقلیت، ابتدا آقای کلزرونی نماینده بوشهر مورد شتم و ضرب شدید واقع شد، بعد از آن آقای مدرس نماینده تهران مورد ضرب و شتم شدید واقع شدند و بعد از ایشانهم آقای حایری زاده نماینده محترم یزد در منزل آقای داور مورد ضرب شدید واقع شدند که عمامشان افتاد و چوبیکه بایشان حواله شد بدرب گرفت و ایشان خود را بخانه آقای داور انداختند و از آن ضربت خلاص شدند والا شاید خیلی خطرناک بود. این قضایا باعث این شد که يك تأسف فوق العاده زیاد و شدیدی در نمایندگان اقلیت ایجاد شد و فی الحقیقه از مجلس محترم که مرکز قانون گذاریست و حقیقتاً مرکز سیاست یگانه و اولی ترین نقطه ایست که میتواند در حفظ قانون سعی باشد شوال کنیم و پیرسیم که آیا تکلیف

۱ - جمله داخل پرانتز برخلاف واقع است.

ما با این وضعیات چیست ؟ این را هم بعرض آقایان برسانم که آقای کازرونی در نتیجه واقعاتیکه بایشان اصافه کرد در منزلشان بستری شدند و نتوانستند بمجلس بیایند و شرحی بر رئیس محترم مجلس عرض کرده اند و قضیه خودشان را اشاره نموده اند و از آمدن مجلس عذر خواستند و سایر آقایانهم چنانچه عرض شد متعیرند که با این وضعیات و این پیش آمدها که بهیچوجه ارکان قویم قانون اساسی قابل حفاظت نیست حاضر شوند و چگونه استیضاح کنند، این است که به بنده مأموریت دادند که بمجلس حاضر شوم و بحضور آقایان عرض کنم که مجلس مقدس در مقابل این تأثیر قبیحی که این وضعیات بمجلس و با افراد حساس مجلس وارد ساخته است چه خواهند کرد و در مقابل سلب مصونیت که از یکمده از نمایندگان شده است هم از آزادی افکار آنها جلوگیری شده هم نسبت باشخاص آنها با اینکه حکومت نظامی است و کاملاً در حفظ نظم شهر مراقبت دارند معذلت نسبت باشخاص آنها سوء قصد وارد شده چه فکر خواهد کرد ؟ و مجلس چه وضعیتی بخودش خواهد گرفت و بالاخره به بنده امر کرده اند که از آقایان سؤال کنم با اینصورت تکلیف اقلیت در مقابل استیضاح که داده اند و در صدد اظهار آن میباشند چیست، آقایان اقلیت از آقایان نمایندگان میپرسند که مجلس مقدس بچه وسیله میتواند این مهاجمه که بافکار و اساس اقلیت وارد شده جبران کند و بالاخره مجلس مقدس چهطور میتواند مصونیت ما را بعد از این تأمین کند استدعا شان اینست که در این باب مجلس مقدس تکلیفی معین فرمایند تا اینکه استیضاح در حدود قانون بعمل آید .

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه).

نطق سلیمان میرزا سلیمان میرزا - آقای ملك الشعرا شرحی بیان فرمودند که آن طرفدار دولت شرحاً بنده میتوانم تقسیم کنم بچند قسمت و در هر کدام از آنها چند کلمه بعرض مجلس برسانم . يك قسمت از تقسیماتی که فرمودند راجع بحکومت نظامی بود (اگر فراموش نکرده باشم) و توقیف جراید اقلیت و حبس و تبعید افراد اقلیت بود

ملك الشعراء - افراد مردم . اکثریت .